

چکیده

موضوع: ویژگی حیات برزخی از منظر آیات و روایات *مرضیه اسدی*

ساله های سال حیات برزخی مورد توجه جهان اسلام بوده وهست و در برخی برخی ازسوره قرآن نظیر: یس ۲۶-۲۷؛ مومن ۱۱ - ۱۶۹؛ مومن / زمر ۴۲ / نحل به روشنی بیانگر وجود عالم برزخ و ویژگی های آن است، چنان که حیات جاویدان شهیدان راه خدا و پاداش های آنان گواه روشنی بر عالم برزخ و نعمتهای برزخی است. همچنین روایات فراوانی - که در برخی از آنها ادعای تواتر شده است - درباره عالم برزخ و کیفیت زندگی در آن و گزارش های مربوط به احوال اولیای الهی و انسانهای متقی و گنهکار و میزان و کیفیت رابطه آنها با دنیا و مراحل عالم برزخ، در منابع فریقین آمده است. در این مقاله ابتدا به اثبات برزخ، ازمنظر حکمت متعالیه، قرآن و روایات می پردازد، سپس به برخی ویژگی های برزخ و برزخیان اشاره می کند. و در این مقاله ضمن بیان نظرات مختلف، به بررسی و تحلیل نظریات برخی از مفسران اهل سنت که در مورد برخی از آیات دیدگاه متمایزی از سایرین دارند نیز می پردازیم.

کلید واژه ها

برزخ، شفاعت، عالم برزخ، نعمت های برزخی، حیات برزخی.

از منظر فلاسفه، نفس حقیقتی است دارای آثار حیاتی همچون تعدیه، رشد، تولید مثل، سازگاری با محیط، درک حسی، حرکت ارادی و تعقل، و حالاتی مانند شادی، غم، اضطراب و دلهره. اینها همه از آثار نفس اند. نفس دارای مراتبی است؛ همچون نفس نباتی، نفس حیوانی و نفس انسانی که هر یک آثار ویژه خود را دارد.

تنفس، تعدیه، رشد، تولید مثل، و سازگاری با محیط از آثار نفس نباتی اند. علاوه بر این، احساس و حرکت ارادی ناشی از نفس حیوانی است و علاوه بر آثار مزبور، تفکر و تعقل از آثار نفس انسانی به شمار می آید (قاهره، دار الکتب العربی، ۱۳۸۹ق) و به قول ابن سینا، «نفس» نامی است مشترک میان معنایی که انسان و حیوان و نبات در آن شریکند... و تعریف «نفس» به معنای دیگر، جوهری است، غیر جسمانی و آن کمال جسم و محرک آن است به اختیار. (بی جا، مرکز ایرانی مطالعه فرهنگ ها، ۱۳۵۸)

از مجموع تعاریفی که ارائه شده است، می توان پی برد که «نفس» جوهری است مجرد که علاوه بر وجود لنفسه، دارای وجود الغیره نیز هست؛ یعنی کارها و فعالیت هایش مادی و با تصرف در بدن حاصل می شوند و متعدد به تعدد ایدان است. (صدرالدین محمد بن ابراهیم شیرازی)

در قرآن هم اگرچه گاهی واژه «روح» و گاهی «نفس» به کار رفته، ولی با بررسی آیات و روایات، می توان به این نتیجه دست یافت که نفس آدمی همان روح اوست.

در زمینه وجود نفس مجرد انسانی و مغایرت آن با بدن، دلائل و براهین متعددی اقامه شده است؛ مانند غفلت آدمی از کل اعضای بدن و عدم غفلت از خود، وجود حقیقی حامل صور معقول و کثیر در آدمی، وجود حقیقتی درک کننده برخی مفاهیم در کمون انسان که تحقق آنها در خارج محال است (همچون ضدین، علم و ملکه، و تناقض)، درک وحدت مطلق و معنای بسیط عقلی و به طور کلی، درک مفاهیم انقسام پذیر، همچون جنس، فصل و نوع از سوی انسان، تعبیر و تحول همه اعضا و جوارح آدمی در طول هفت سال یا بیشتر و عدم تعبیر «من» او، و دلایل و براهین دیگری که هر کدام به نحوی بر وجود نفس و روح مجرد انسانی دلالت می کنند.

نفس دارای ویژگی های منحصر به خود است که یکی از آنها داشتن قوه و استعدادی است که می تواند با به فعلیت در آوردن آن، به بالاترین مرحله سعادت نایل آید یا به پست ترین مرحله رذیلت و پستی سقوط نماید. اما در صورتی می تواند به چنین مراحل دست یازد که به بدن تعلق دانسته، از آن مفارقت نکرده باشد، چرا که با

تصرف در آن و به وسیله آن می تواند استعدادهای درونی خود را شکوفا سازد و به سعادت یا شقاوت ابدی نایل گردد؛ زیرا نفس موجودی فنا شانی است (تهران، انجمن فلسفه ایران، ۱۳۵۴)، و پس از مقارقت از بدن، تا پیش از تحقق قیامت، در مرتبه ای از مراتب وجود به نام «برزخ» استقرار پیدا خواهد کرد. و پس از آن نیز معذب به عذاب ابدی یا منعم به نعمت های جاودان و ابدی خواهد بود.

طرح مسئله

حیات برزخی یا جهان پس از مرگ و مراحل مختلف آن از مهم ترین آموزه های دینی است که بدون راهنمایی وحی مسائل آن برای انسان غیرقابل دسترسی است و اندیشه انسان به بسیاری از مسائل آن راه ندارد، از این رو حیات پس از مرگ از مشکل ترین مسائل بشری در طول تاریخ است و بشر از دیرزمان تلاش کرده تا سرنوشت پس از مرگ خویش را دریابد و پاسخی روشن به حس کنجکاو خود از فرجام کار جهان بدهد و همواره این سؤال مطرح بوده است که آیا با مرگ شعله زندگی انسان برای همیشه خاموش می شود و یا با مرگ حیات دیگری که باشکوه تر از حیات دنیوی است، آغاز می گردد؟

فیلسوفان و متفکران غیردینی در این باره پاسخ قانع کننده ای به انسان نداده اند؛ چراکه فکر آنها از عالم ماده فراتر نمی رود و راهی به جهان پس از مرگ ندارد. اما فیلسوفان الهی به کمک وحی بهترین پاسخ را به پرسش های انسانها داده اند که وجدان، عقل و منطق آن را تأیید می کند. از دیدگاه دین مرگ پایان زندگی بشر نیست بلکه آغاز مهم ترین حوادث و رویدادهاست که نخستین مرحله آن، زندگی برزخی است.

مفهوم شناسی برزخ

برزخ از نظر لغوی به معنای حائل و فاصله میان دو چیز است و به هر آنچه که میان دو چیز یا دو مرحله قرار گیرد، برزخ گویند. (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۱ / ذیل مدخل برزخ) و در اصطلاح مفسران و متکلمان عمدتاً به معنای فاصله میان دنیا و آخرت به کار می رود. (طوسی، ۱۳۸۳: ۴ / ۳۹۴)

واژه برزخ در قرآن مجید سه بار به کار رفته است. مقصود از برزخ در دو آیه همان معنای لغوی است؛ یکی در آیه شریفه: «بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ»، (الرحمن / ۲۰) و دیگر در آیه شریفه «وَهُوَ الَّذِي مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ هَذَا عَذْبٌ قُرَاتٌ وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَجَعَلَ بَيْنَهُمَا بَرْزَخًا»؛ (فرقان / ۵۳) در این دو آیه برزخ به معنای «حاجب و حائل» است که در دریا بین آب شیرین و شور قرار دارد و از مخلوط شدن آن در جلوگیری می کند.

اما برزخ در آیه «حَتَّابًا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِمُ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ» (مؤمنون / ۱۰۰ - ۱۹۹) به معنای جهان غیبی و به عنوان یکی از منازل و مراحل پس از مرگ به کار رفته است.

براساس این آیه شریفه و روایات بسیار که واژه برزخ در آن استعمال شده است، به جهان پس از مرگ تا برپایی روز قیامت «جهان برزخ» می گویند.

برزخ در آیات

افزون بر آیات ۹۹ و ۱۰۰ سوره مؤمنون، آیات متعددی وجود دارد که به صراحت با اشاره از عالم برزخ سخن به میان آورده است. در اینجا به ذکر چند آیه که برخی بیانگر پاداش صالحان در عالم برزخ، و برخی بازگوکننده عذاب صالحان در این عالم است، می پردازیم:

الف) آیات ۱۶۹ و ۱۷۰ سوره آل عمران:

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ يَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»

ای پیامبر هرگز گمان مبر آنها که در راه خدا کشته شدند مرده اند، بلکه زنده هستند و در نزد پروردگارشان روزی داده می شوند آنها به آنچه خداوند از فضل خود داده است، خشنودند و نسبت به کسانی که به آنها ملحق نشده اند نیز بشارت میدهند که هیچ ترس و اندوهی بر آنها نیست.

در این آیه به نعمتها و الطاف خداوند نسبت به شهدا و خشنودی و شادمانی آنان از الطاف الهی و به زندگی به دور از اندوه آنان در عالم پس از مرگ اشاره شده است. (نظیر این آیه، در سوره بقره آیه ۱۵۴ است)

(ب) آیات ۲۶ و ۲۷ سوره یس:

«قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ»

(مؤمن آل فرعون حبیب نجار، وقتی که به دست ستمگران به شهادت رسید) از طرف خداوند به او گفته شد وارد بهشت شو، او گفت: ای کاش قوم من میدانستند که پروردگار مرا آمرزیده و از گرامی داشتگان قرار داده است.

(ج) آیات ۴۶ سوره مؤمن:

«النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ»

به فرعونیان عذاب سخت نازل گردید، همان آتش که هر صبح و شام بر آن عرضه می شوند، و روزی که قیامت برپا می گردد دستور داده میشود، آل فرعون را در سخت ترین عذابها وارد کنید.

این آیه از دو جهت دلیل بر حیات برزخی است:

یک) اینکه در این آیه از آتشی سخن به میان آمده که هر صبح و شام بر آل فرعون عرضه میشود و این همان عذاب برزخی است چراکه وجود صبح و شام از ویژگیهای عالم دنیوی و برزخی است و در عالم قیامت چنین چیزی وجود ندارد.

دو) دیگر اینکه این آیه از وجود عذاب قیامت خبر داده است و اینکه آل فرعون به شدید ترین عذاب گرفتار خواهند شد.

(د) آیه ۱۱ سوره مؤمن:

«قَالُوا رَبَّنَا أُمَتَّنَا اثْنَتَيْنِ وَأُحْيَيْتَنَا اثْنَتَيْنِ فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ إِلَى خُرُوجٍ مِنْ سَبِيلٍ»

آنها می گویند خدایا ما را دوبار میراندی و دوبار زنده کردی، هم اکنون به گناهان خود اعتراف داریم آیا راهی برای خروج از (دوزخ) وجود دارد؟

این آیه گفتار کافران در قیامت است، روشن است که تصور دوبار مرگ و دوبار حیات بدون تصور وجود عالم برزخ بی معناست. این دو بار مردن و دوبار زنده شدن بدین صورت است: مردن در دنیا، زنده شدن در برزخ، مردن در برزخ و زنده شدن در قیامت.

این آیات هر کدام به گونه ای از قرار گرفتن انسان پس از مرگ در عالمی دیگر حکایت می کند که در آنجا از نعمت و عذاب الهی برخوردار است و این نشان از حیات و زندگی در آن عالم دارد.

ی) جایگاه ارواح مؤمنان و مشرکان در برزخ

در اینکه همه انسانها با مرگ وارد عالم برزخ میشوند و یا اینکه عالم برزخ شبیه عالم ماده است اما آثار و عوارض آن را ندارد، شکی وجود ندارد. اما در باره وجود جایگاه خاص برای ارواح مؤمنان، مشرکان، خوبان و بدان روایات مختلف است:

در روایات آمده است که ارواح مؤمنان در وادی السلام نجف دور یکدیگر جمع می شوند، (کلینی، ۱۳۸۸: ۳/ ۲۴۳) یعنی وادی امن و امنیت که ظهور آن وادی در این دنیا در سرزمین نجف اشرف است که وادی ولایت الهی است. و نیز امام صادق در حدیثی دیگر فرموده است:

هنگامی که مؤمن از دنیا می رود، به او گفته میشود از غمهای دنیا خلاص شدی، و هم اکنون رسول خدا و علی و فاطمه در پیش روی تو هستند. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۶/ ۱۸۴)

در مورد ارواح کفار و مشرکان و گناهکارانی که قابل عفو و بخشش نیستند نیز آمده است که ارواح آنان در «وادی برهوت» یمن خواهند بود. چنانکه امیرمؤمنان که فرمود:

ارواح کفار پس از مرگشان در وادی برهوت گردهم می آیند که آن وادی انواع شکنجه و عذاب ها را در خود دارد. (همان: ۲۷۹)

و نیز آن حضرت می فرماید:

اگر آنچه مردگان پس از مرگ، مشاهده کرده اند شما هم می دیدید، وحشت می کردید و می ترسیدید و سخنان حق را می شنیدید و اطاعت می کردید، ولی آنچه آنها دیدند، از شما پوشیده است، اما به زودی پرده ها کنار می رود (و شما نیز مشاهده خواهید کرد). (سید رضی، ۱۳۷۰: خ ۲۰)

عبارت «اگر آنچه مردگان پس از مرگ مشاهده کرده اند» بیانگر آن است که هنگام مرگ، پرده از پیش چشم انسان به کنار می رود و او حقایق را به روشنی مینگرد. | ابن ابی الحدید معتزلی شارح نهج البلاغه می گوید: «ممکن است مقصود این باشد که همه هنگام مرگ، امام علی اش را می بینند.» وی سپس با ذکر اشعاری که مضمون آن را امام علی من به حارث همدانی فرموده، می گوید:

یا حار همدان من یمت برنی من مؤمن او منافق قبلا

يعرفنی طرفه و اعرفه بعینه و اسمہ وما فعلا

(ابن ابی الحدید، ۱۴۱۸: ۱/ ۲۹۹)

ک) جایگاه متوسطین و مستضعفین در برزخ

در برخی از روایات به سرنوشت مبهم این افراد تصریح شده که به طور قطع مقصود از آن بیان احوال آنان در قیامت نیست؛ زیرا در آخرت وضعیت همگان روشن می شود اما در شرایط برزخی که هنوز محاکمه نشده‌اند آینده آنها روشن نیست. در میان انسان ها گروهی هستند که به مجرد مرگ به حساب آنها رسیدگی نمی شود بلکه حساب آنان تا قیامت به تأخیر می افتد و منوط به امر خدا می گردد که آنان را عذاب کند و یا اینکه گناه آنان را بیامرزد. قرآن کریم از این گروه به عنوان مرجون لأمر الله (توبه ۱۰۶) و مستضعفین (نساء / ۹۷) یاد کرده است.

ل) جایگاه شهدا در برزخ

چنانکه قبلاً نیز گذشت از آیات زیادی می توان حیات و زندگانی شهیدان راه خدا را در عالم برزخ به دست آورد؛ چنانکه می فرماید: «ولا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله أمواتا بل أحياء عند ربهم يرزقون» شهدا در عالم برزخ زنده اند و به مقام «عند ربهم يرزقون» نائل آمده اند. قرآن در آیه ای دیگر درباره خشنودی شهدا می فرماید:

«فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ

لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ.» (آل عمران ۱۷۰)

آنها به آنچه خداوند از فضل خود داده است خشنودند و نسبت به کسانی که به

آنها ملحق نشده اند نیز بشارت میدهند که هیچ ترس و اندوهی بر آنها نیست.

این آیه شریفه افزون بر حیات برزخی شهیدان به روزی معنوی و ملکوتی آنان تصریح نموده است. از این آیه رابطه میان شهدا و بازماندگان آنها در دنیا نیز فهمیده می شود و شهدا و مؤمنین از این نظر مورد رضایت پروردگار قرار می گیرند که در ارتباط با دنیا و بازماندگان، از بدیهای آنان مطلع نمی شوند بلکه خویی های آنان را می بینند.

نتیجه

یکی از مهم ترین آموزه های دین، برزخ و حیات آن و هر آنچه که مربوط به آن است . از نگاه دین مرگ پایان زندگی نیست؛ نه تنها پایان نیست بلکه شروع مهمترین اتفاقات و رویداد ها می باشد. مهم ترین حوادث و رویدادهاست. بر این اساس بررسی عالم برزخ و اثبات آن از نظر عقل و برهان و آیات و روایات در خور دقت و تأمل است. گستردگی و بمعن وجودی از ویژگی های برزخ است، همچنان که مصاحبت با قالب مثالی، وجود لذت و الم برزخی، رؤیت فرشتگان و مکالمه با آنها از ویژگی های بر زبان است؛ ولی بسیاری از حقایق برزخی تنها در پرتو قرآن و روایات معصومان و قابل اثباتند، نه فلسفه.

در این مقاله با استفاده از آیات و روایات به بررسی اجمالی عالم برزخ و حقایق و ویژگی های آن مانند: ویژگی های حیات برزخ، ویژگی های افراد درون برزخ، تمثیل، ارتباط ارواح با دنیا و مفهوم برزخ پرداخته شد.

منابع

- قرآن کریم
- ابن فارس، احمد، ۱۴۰۴ق، مقاییس اللغة، قم، مکتب الاعلام السلامی.
- ابن ابی الحديد، ۱۴۱۸ق، شرح نهج البلاغه، بیروت، دارالکتاب العلیه.
- ر. ک. ابن سینا، الشفاء، الطبيعيات (قاهره، دار الكتاب العربی، ۱۳۸۹ق)، ج ۱ (کتاب النفس)، ص ۵ و ۶
- ابن سینا، حدود یا تعریفات، ترجمه محمد مهدی فولادوند (بی جا، مرکز ایرانی مطالعه فرهنگ ها، ۱۳۵۸)، ص ۲۸.
- ر. ک. ملاصدرا (صدرالدین محمد بن ابراهیم شیرازی)، الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة (قم، مصطفوی، ۱۳۷۹)، ج ۱، ص ۱۰۹ و ۳۳۰-۳۴۳.
- سید رضی، ۱۳۷۰، نهج البلاغه، ترجمه مصطفی رحیمی نیا، تهران، انتشارات اسلامی.
- ر. ک. ملاصدرا، المبدأ و المعاد (تهران، انجمن فلسفه ایران، ۱۳۵۴)، ص ۳۱۳-۳۱۵
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه، ۱۴۱۵ق، تفسیر نور الثقلین، قم، موسسه اسماعیلیان.
- طوسی، محمد بن حسن، ۱۳۸۳، التبیان فی تفسیر القرآن، نجف، مکتبه الامین.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۴۰۸ق، مجمع البیان، بیروت، دارالمعرفه.
- فیض کاشانی، ملاحسن، ۱۳۸۷، محجبه البیضاء، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- قمی، علی ابن ابراهیم، ۱۳۶۷، تفسیر قمی، قم، دار الکتاب.
- مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ق، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- محمد بن یعقوب کلینی، فروع کافی (تهران، دار الکتاب الاسلامیه، بی تا)، ج ۳، ص ۲۶۸

- ملاّصدرا، السفار، ج ۹، ص ۳۱.
- ملاّصدرا، الشواهد الربوبیه (قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۲)، ص ۳۲۵.
- امام خمینی، تقریرات فلسفه، اسفار، ج ۳، ص ۶۰۰
- مطهری، ف مرتضی، ۱۳۶۴، مجموعه ای آثار، قم، انتشارات اسلامی.
- محمد بن محمد مفید، اوائل المقالات، ص ۷۶.
- ابن کثیر «اسماعیل ابن کثیر دمشقی»، تفسیر القرآن العظیم «بیروت، دارالانداس، بی تا»، ج ۱، ص ۳۴۶.
- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی «قم، الهادی»، ۱۳۷۹، خ ۱۹۰
- تویسر کانی، محمد بن نبی بن احمد، ۱۳۷۲، لثالی الخبار، قم، علامه.
- کلینی رازی، محمد بن یعقوب، ۱۳۸۸ ق کافی تهران، دارالکتاب الاسلامیه.